



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان
اداره آموزش و پرورش شهرستان.....

عنوان اقدام پژوهی

چگونه توانستم مشکل ضعف درسی و افت تحصیلی
دانش آموزان پایه ششم را برطرف نمایم؟

چکیده:

یکی از عوامل نبود موفقیت تحصیلی در دانش آموزان، وجود ضعف یادگیری در آنان است که منجر به افت تحصیلی، کاهش اعتماد به نفس و عزت نفس و ترک تحصیل آنها می شود. و لطمات جبران ناپذیری از نظر روانی و اقتصادی به کودک و خانواده و نظام آموزش و پرورش کشور وارد خواهد کرد.

از آنجا که دانش آموزان مبتلا به ضعف یادگیری، جزو بچه های در معرض خطر و شکننده محسوب می شوند، آموزش و پرورش باید از این افراد پشتیبانی کند و یک سپر دفاعی برای آنان باشد. همچنین نظام اجتماعی نیز باید از آنان حمایت و مراقبت کند. برای کاهش آمار بالای مبتلایان به این اختلالات و عوارض جانبی، ضرورت دارد معلمان با این اختلالات آشنایی پیدا کنند.

اینجانب مریم باژدار بارها در کلاس درس خود مشاهده می کردم که تعدادی از دانش آموزانم به دلایل مختلفی نسبت به بقیه دچار افت تحصیلی هستند و در ارزشیابی های کتبی و شفاهی امتیازات پایینی کسب می کنند و والدین آنها از این موضوع احساس رنج می نمودند و با همه تلاش در پی جبران آن برمی آمدند. در بسیاری از مواقع می دیدم که شاگردانم دچار تحقیرها و سرزنش ها و تنبیهات قرار می گرفتند و گاهی نیز گره بسته ی آنان با اتخاذ مواضع نادرست والدین یا خود من بسته تر می شد. با مشاهده ی این مسأله در کلاس تصمیم گرفتم با پیدا کردن راه حل های مناسب و ابتکاری سرنوشت آنها را تغییر دهم، در نتیجه با مطالعه کتاب های گوناگون و تحقیقات انجام شده قبلی توانستم قبل از امتحانات نوبت اول، با برگزاری جلسات مداوم با اولیا و با اجرای سه روش شامل:

۱ - دادن برنامه پیشنهادی درسی

۲ - رودررویی و تبادل نظر دانش آموز قوی با ضعیف

۳ - تهیه فرم نظارت خانواده بر امور درسی فرزندشان

روز به روز به فراگیری آنان روح تازه ای بخشیده و سطح علمی دانش آموزانم را بالا برده و آنها را موفق و شاد ببینم.

مقدمه

ضعف یادگیری یکی از موضوعاتی است که شاید همه دانش آموزان در طول سالهای تحصیل خود با آن دست و پنجه نرم کرده باشند پیشرفت درسی دانش آموزان، چرا دانش آموز علاقه ای به درس ندارد، چگونه دانش آموزان را به درس علاقمند کنیم، گاهی اوقات ضعف یادگیری از عوامل درونی نشات می گیرد و گاهی نیز عوامل محیطی دارد. اقتصاد بیمار، تدریس بد، وابستگی به کمکهای آموزشی خارج از مدرسه، بیماری، سرخوردگی های اجتماعی و خانوادگی و... از جمله عواملی هستند که هر کدام در ضعف یادگیری دانش آموزان نقش بسزایی دارند.

یکی از دلایل عمده ضعف یادگیری مخصوصا در دانش آموزان دوران دبستان وابستگی آنها به والدین است. مثلا وابستگی ای که در دوران ابتدایی بین والدین و فرزندان شکل می گیرد و وقتی آن نیروی کمکی به هر شکلی یا علتی نتواند دیگر به آنها کمک کند آن وقت زمینه ضعف یادگیری در فرزند شما به وجود می آید. از آنجا که وابستگی به مرور زمان شکل می گیرد قطع وابستگی نیز باید در طول زمان صورت بگیرد. کودک شما باید روزی روی پای خود بایستد و بتواند تکالیفش را به تنهایی انجام دهد، ولی عادت دادن او به این که همیشه کسی، دوستی یا قوم و خویشی است که در دروس مدرسه به آنها کمک کند این تفکر که همیشه کسی برای تکیه کردن وجود دارد را در ذهن او تقویت می کند و سرانجام با از بین رفتن این تکیه گاه تحصیلی نشانه های ضعف یادگیری در کارنامه فرزند دانش آموز شما جلب توجه می کند.

این به این معنی نیست که اصلا به دانش آموزان خود کمک نکنید بلکه هدف شما از کمک باید این باشد که او را در شرایطی قرار دهید که اگر وضعی دارد روی پاهای خود بایستد. البته اگر شما به طور ناخواسته کودک تان را به خود وابسته کرده باشید با اولین تلاش نمی توانید شرایط لازم را برای داشتن استقلال تحصیلی در او به وجود بیاورید و حتی ممکن است قطع کمکهای آموزشی شما سبب ضعف یادگیری موقت فرزند دانش آموزتان شود، ولی این دوره مدت زیادی به طول نخواهد انجامید؛ البته شما باید زمان مناسبی را برای قطع کمکهای آموزشی خود انتخاب کنید. برای مثال در جریان امتحانات نباید یکدفعه پشت فرزند خود را خالی کنید.

بهترین زمان برای این کار وقتی است که امتحانات جدی در پیش روی فرزند دانش آموز شما وجود ندارد. اگر والدین ، فرزندان خود را به جای یادگیری در مدرسه به یادگیری در محیط خانه وابسته کنند برای همیشه معلول یک علت بزرگ باقی خواهند ماند.

بیان مسئله

یکی از مشغله های اصلی بشریت در تمام دوران ، توانا ساختن نسل آینده در اداره امور خویش و سپردن میراث فرهنگی بوده است . قسمت اعظم این وظیفه ، در ابتدا توسط خانواده انجام می شد . همزمان با گسترش جوامع و تقسیم کار اجتماعی و اقتصادی وظیفه تعلیم و تربیت به نهاد آموزش و پرورش محول گردید . این نهاد به طور رسمی عهده دار این امر گشت تا بر اساس اصول و اهداف مورد قبول جامعه ، توانایی ها و استعداد های کودکان و نوجوانان را شناسایی نماید و به منظور اجتماعی شدن و به عهده گرفتن مسئولیت های آتی تعالیم لازم را به آنان بیاموزد .

امروزه دیدگاه مردم در مورد آموزش و پرورش به گونه ای است که استفاده از امکانات تربیتی جامعه را حق طبیعی و مسلم خود می دانند . دلیل عمده این امر آن است که تعلیم و تربیت با سرنوشت انسان در زندگی آینده پیوند خورده است . در عصر حاضر بسیاری از امکانات مادی و نیروهای انسانی در خدمت تعلیم و تربیت قرار گرفته است . همچنین تعلیم و تربیت در بسیاری از جوامع یک سرمایه گذاری بلند مدت محسوب می شود . که به بهای چشم پوشیدن و صرف نظر کردن از رشد کوتاه مدت دیگر امکانات جامعه حاصل می شود . بنابراین اگر تعلیم و تربیت نتواند نیروهای انسانی تحت آموزش خود را در قالب انواع تخصص ها و مهارت های مکمل و مورد لزوم جامعه درآورد و بدین ترتیب نتواند به ایفای نقش خود در زمینه شکوفایی جامعه بپردازد ، در واقع باید گفت که این امکانات و نیروها به هدر رفته است . لذا تفکر عاقلانه حکم می کند که سرمایه ها و نیروهای به کار گرفته شده در تعلیم و تربیت به گونه ای برنامه ریزی و سازماندهی شود تا بتواند به اهداف مورد نظر خویش دست پیدا کند .

کودکان و نوجوانان در دوران تحصیل ، نگرش مثبت یا منفی نسبت به خود و محیط پیرامون بدست می آورند این مسأله به مقدار زیاد به تجارب موفق یا ناموفق دانش آموزان در دوران تحصیل بستگی دارد . آنها